

تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی

مؤلف: چندیل فروپاشی
سیار: اجتماعی رژیم پهلوی

نویسنده:

دکتر سیدمصطفی ابحری



- سرشناسه : ابطحی، سیدمصطفی، ۱۳۴۵-،
 عنوان و نام پدیدآور : تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی: رهیافت چندعلتی فروپاشی سیاسی - اجتماعی رژیم
 . پهلوی / نویسنده سیدمصطفی ابطحی
 مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری : ۳۳۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۰۷-۷-۶
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
 یادداشت : کتابنامه: ص [۳۱۹] - ۳۳۰: همچنین به صورت زیرنویس.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- حلل
 (Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Causes)
 موضوع : انقلاب (Revolutions)
 موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر
 (Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Criticism and interpretation)
 موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷
 (Iran -- History -- Pahlavi, 1941-1978)
 رده‌بندی کنگر : DSR ۱۵۵۱
 رده‌بندی دیویی : ۹۰۰/۰۸۳
 شماره کتابشناسی ملل : ۹۸۲۹



نام کتاب: تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی (رهیافت چند علتی - اجتماعی رژیم پهلوی)
 نویسنده: دکتر سیدمصطفی ابطحی (عضو هیأت علمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)
 طراح جلد: محدثه موسوی
 توبت چاپ: اول
 سال چاپ: ۱۴۰۳
 شمارگان: ۲۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۰۷-۷-۶
 چاپ و صحافی: سعید دانش
 قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ تومان
 نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱
 تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۹۱۰۰۰
 www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخه‌برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
 (استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ آزاد است.)

فهرست مطالب

مقدمه	۹
بخش اول: ماهیت انقلاب و تئوری‌های آن	۱۵
فصل اول: چیستی انقلاب سیاسی و اجتماعی	۱۷
تبارشناسی مفهوم انقلاب	۱۷
تعریف انقلاب و ویژگی‌های آن	۱۸
انواع رهبران انقلاب‌ها	۲۲
آغاز فرایند انقلاب	۲۳
فصل دوم: نظریه‌پردازی انقلاب	۲۵
پیشینه نظریه‌پردازی انقلاب	۲۵
نظریه‌پردازی انقلاب	۲۶
افلاطون پدر فلسفه سیاسی	۲۷
ارسطو	۳۳
ماکیاولی	۳۵
دسته‌بندی تئوری‌های انقلاب	۳۷
دوره‌های سه‌گانه تئوری‌های انقلاب	۴۲
دوره اول: نظریه‌پردازان کلاسیک انقلاب	۴۳
۱. کارل مارکس	۴۳
از خودبیگانگی	۵۱
آگاهی طبقاتی	۵۲
۲. ویلفردو پارتو	۵۶

۵۹	 ۳. امیل دورکهایم
۶۱	 ۴. ماکس وبر
۶۵	 ویژگی‌های سیاست و رهبر کاریزمایی
۶۹	 ۵. الکسی دوتوکویل
۷۱	 دوره دوم: مطالعه علمی انقلاب
۷۱	 کرین برنتون
۷۴	 فرایند قدرت‌گیری گروه‌ها پس از پیروزی انقلاب
۷۵	 حاکمیت تندروها
۷۷	 عصر تریسدور
۸۰	 نقد نظر برنتون: بررسی امکان تعمیم نظریه برنتون به انقلاب‌های دیگر
۸۴	 دوره سوم: بی‌ریای تئینی
۸۴	 الف - رهیافت روش‌شناختی
۸۵	 تئوری توقعات فزاینده: جیمز دیویس
۸۹	 تئوری محرومیت نسبی
۸۹	 رابرت گار
۹۳	 ب - رهیافت جامعه‌شناختی
۹۳	 نظریه برینگتون مور
۹۷	 نقد نظریه برینگتون مور در مورد انقلاب ایران
۹۸	 کارکردگرایی پارسونز
۱۰۰	 چالمرز جانسون
۱۰۵	 شرایط لازم برای بروز انقلاب
۱۰۷	 ج - رهیافت سیاسی
۱۰۷	 ساموئل هانتینگتون
۱۱۴	 نقد نظریه هانتینگتون
۱۱۵	 د - رهیافت ساختارگرایانه
۱۱۵	 تدا اسکاچیل
۱۲۲	 رالف گوستاو دارندورف
۱۲۶	 نیل اسملسر
۱۲۹	 تقسیم‌بندی اسملسر از رفتار جمعی
۱۳۱	 جنبش انقلابی - جنبش معطوف به ارزش

۱۳۷	بخش دوم: طراحی رهیافت جایگزین
۱۳۸	مقدمه
۱۴۱	دو رهیافت علل وقوع انقلاب اسلامی
۱۴۲	فصل سوم: تبیین انقلاب اسلامی براساس نظریه توسعه نامتوازن
۱۴۴	برنامه‌های توسعه پنج‌گانه دوره پهلوی
۱۴۵	برنامه سوم ۱۳۴۶-۱۳۴۱
۱۵۱	برنامه چهارم ۱۳۵۱-۱۳۴۷
۱۵۴	برنامه پنجم ۱۳۵۲
۱۵۶	افزایش قیمت‌های نفت و تصمیمات خودسرانه شاه
۱۵۷	برهم خوردن تعادل‌های اقتصادی و پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن
۱۶۴	ادراک نابرابری‌ها در ساخت اجتماعی
۱۶۷	سطح پایین نهادمندی سیاسی
۱۶۹	هم‌زمانی انسداد سیاسی با نوسازی اقتصادی و اجتماعی
۱۷۶	تحلیل نظریه توسعه نامتوازن
۱۷۷	دولت پهلوی، دولت تحصیل‌دار (راتنیر)
۱۸۱	رژیم محمدرضا پهلوی، رژیم سلطانی
۱۸۶	نظریه وابستگی و سلطه‌پذیری رژیم
۱۹۳	ارتش و نیروهای مسلح
۲۰۱	دیوان‌سالاری
۲۰۳	دربار
۲۰۵	نقد نظریه توسعه نامتوازن
۲۱۱	فصل چهارم: تبیین انقلاب اسلامی براساس نظریه نیل اسملسر
۲۱۲	زمینه‌های ساختاری، فرهنگی و مذهبی ملت ایران
۲۱۳	نقش اجتماعی مذهب در بروز انقلاب اسلامی
۲۱۳	دیدگاه متفکران و صاحب‌نظران در خصوص نقش مذهب در انقلاب اسلامی
۲۲۸	علل احیاء اسلام در جامعه ایرانی دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی
۲۳۰	تردید در مبانی تفکر غربی و تلقی غرب به عنوان عامل انحطاط اخلاقی جامعه

۲۳۴	جست‌وجوی هویت دینی و بازگشت به ارزش‌های مذهبی
۲۳۶	پیشینه تشیع در ایران
۲۳۷	دوران غیبت امام معصوم
۲۳۹	دوره صفوی نقطه عطف تحول سیاسی شیعه
۲۴۱	رشد موقعیت سیاسی اجتماعی عالمان شیعی در عصر قاجار
۲۴۳	مناسبات دین و دولت در عصر پهلوی
۲۴۶	تقابل پهلوی اول با دین و نهادهای مذهبی
۲۵۲	وضعیت نیروهای سیاسی در عصر پسا رضاخانی
۲۵۳	جریان راکسیستی
۲۵۵	جریان سی‌اسیونالیستی
۲۵۶	جریان دینی
۲۵۷	دوران پهلوی دوم: تعامل - تقابل
۲۶۱	باورهای تعمیم‌یافته در انقلاب اسلامی
۲۶۲	ویژگی ضد مدرنیستی انقلاب اسلامی
۲۶۷	فصل پنجم: عوامل شتاب‌دهنده و سرآنها در انقلاب اسلامی
۲۶۸	۱. سیاست درهای باز شاه
۲۷۱	۲. تأسیس حزب رستاخیز
۲۷۵	۳. تغییر تقویم شمسی به شاهنشاهی
۲۷۷	۴. مرگ دکتر علی شریعتی
۲۷۹	۵. درگذشت حاج سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام
۲۸۰	۶. چاپ مقاله علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات
۲۸۳	۷. کشتار خونین مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷
۲۸۴	۸. هجرت امام خمینی از عراق به پاریس (۱۴ مهر ۱۳۵۷)
۲۸۵	۹. فرار شاه از ایران در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷
۲۸۵	۱۰. بازگشت امام خمینی به میهن در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷
۲۸۶	فصل ششم: سازماندهی و تشکیل هسته بسیج‌گر انقلاب
۲۸۶	۱. چستی بسیج و سازماندهی مخالفین
۲۸۶	۲. امام خمینی و شکل‌گیری بسیج مردمی
۲۸۸	۳. شیوه بسیج سیاسی مردم در انقلاب اسلامی

۲۸۹	۴. شبکه موبیرگی روحانیت
۲۹۰	۵. نقش مراسم مذهبی در سازماندهی مردم
۲۹۱	۶. نقش نوارهای صوتی و رسانه در بسیج مردم
۲۹۱	۷. حضور تأثیرگذار بانوان در انقلاب اسلامی
۲۹۳	۸. مسجد پایگاه اطلاع‌رسانی و سازماندهی
۲۹۷	فصل هفتم: عملکرد دستگاه سرکوب و علل ضعف آن
۳۰۲	۱. ساختار فرماندهی نیروهای مسلح
	۲. شکل‌گیری ارتش برای ایفای مأموریت برون‌مرزی و نه برای برقراری نظم و امنیت داخلی
۳۰۳	۳. بروز نارضایتی در ارتش به دلیل وجود فساد، نابرابری و تبعیض
۳۰۷	۴. فراوانی نیروهای وکیل، راهزن و...
۳۰۸	۵. فقدان تجهیزات و ابزار و رسانه کافی برای سرکوب مخالفان
۳۰۹	۶. راهبرد مخالفان و انقلابیون و... رأی آنها امام‌خمينی در جذب نیروهای ارتش
۳۱۱	۷. استقامت و جانفشانی انقلابیون
۳۱۴	نتیجه‌گیری
۳۱۹	منابع
۳۳۱	نمایه

مقدمه

در طول تاریخ پرفرازونشیب جوامع بشری، تحولات اجتماعی، سیاسی و انقلاب‌های متعددی اتفاق افتاده است و انسان به عنوان کنشگر فعال این عرصه، همواره در صدد تبیین وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و برهم‌زننده نظم اجتماعی و سیاسی مغایر به خواست‌ها و آرمان‌های خود بوده است.

تاریخ، گواه صادقی است که نظم سیاسی جوامع بشری از ثبات، پایداری و دوام چندانی برخوردار نبوده است و علل و عوامل فراوانی، تغییرات عمیق، وسیع و همه‌جانبه را در ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این جوامع به وجود آورده است.

مفهوم انقلاب، تحولات اجتماعی و سیاسی و پیرش‌هایی در خصوص چرایی دوام و اضمحلال دولت‌ها، قدرت‌ها و نظام‌های سیاسی، از مفاهیم پرجاذبه حوزه مطالعات سیاسی و اجتماعی است. نظم و ثبات سیاسی از یک سو و بی‌نظمی و اضمحلال نظام سیاسی از سوی دیگر، کانون توجه علم سیاست بوده و از دیرباز، اندیشمندان علوم سیاسی به نظریه‌پردازی در خصوص علل بروز ناآرامی، بی‌نظمی و انقلاب و روندها، آثار و تبعات آن را پرداخته‌اند.^۱

تغییر نظام‌های سیاسی و فراز و فرود حکومت‌ها در فلسفه سیاسی از اهمیت وافری برخوردار است و این مسئله از جمله مسائل مهمی است که فیلسوفان سیاسی را به طرح نظریات مختلف و متنوع ترغیب کرده و انقلاب را موضوع

۱. حمیدرضا اخوان مفرد، رهیافت‌های مختلف در تحلیل انقلاب اسلامی، نامه پژوهش، ۱۳۷۸، شماره ۱۳.

نظریه‌پردازی آنان قرار داده است.

تلاش برای تبیین انقلاب به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار در طول تاریخ، از عمده‌ترین اهداف فیلسوفان سیاسی و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی از یونان باستان تا به امروز بوده است، به دلیل اهمیت انقلاب‌ها در طول تاریخ، نظریات گوناگونی به منظور تبیین آنها مطرح شده است.^۱

نظریات مختلف همواره در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که چرا و چگونه پدیده انقلاب رخ می‌دهد و یا این‌که چرا و چگونه انقلاب‌های خاصی در مقطع زمانی مشخص به وقوع می‌پیوندند؟

با وجود کیش‌های فراوان صورت گرفته برای تبیین انقلاب و استفاده از رهیافت‌های مختلف، چراغ‌های متنوع توسط فیلسوفان و اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی، مطرح می‌رسد که نظریه‌پردازی در این زمینه دستخوش کاستی‌های فراوانی است که نه تنها می‌توان آن را ناشی از ماهیت پدیده‌های اجتماعی و سیاسی دانست، عاملی که نظریه‌پردازی را با دشواری مواجه نموده است.

در این نوشتار ضمن تبیین آرا و دیدگاه برجسته‌ترین فیلسوفان و نظریه‌پردازان تاریخ اندیشه سیاسی از افلاطون تا اندیشمندان معاصر، درصدد ارزیابی و سنجش تئوری‌های انقلاب و تطبیق آنها با انقلاب‌های جدید از جمله انقلاب اسلامی ایران خواهیم بود و چارچوب‌های نظری ارائه شده در خصوص علل حدوث انقلاب‌ها و قدرت تعمیمی آنان را مورد کنکاش و بررسی قرار خواهیم داد. در نهایت ترسیم تقسیم‌بندی نظریه‌پردازی در مورد انقلاب، وجوه اشتراک و افتراق آنان را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، پس از برآمدن اسلام در ایران، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تحول تاریخ سیاسی و اجتماعی است که موجب سقوط و برچیدن سلطنت کهن و ساختار قدرت شاهنشاهی در ایران و ایجاد سامانه جدیدی از قدرت و نظام برآمده از مشروعیتی جدید در ایران گردید.

این تحول ساختاری، نیازمند تأملات نظری و شناخت سلسله عوامل مختلف تأثیرگذار در وقوع این رخداد بزرگ است و نظر به این که انقلاب اسلامی ایران در زمره انقلاب‌های بزرگ به شمار می‌آید و از آنجا که انقلاب‌های بزرگ، بستری مناسب برای آزمون تئوری‌های انقلاب محسوب می‌شوند، در این مقال کوشش می‌شود که نظریات و تئوری‌های انقلاب را در تبیین علل پیدایش و وقوع آن ارزیابی نموده و رهیافت جایگزین ارائه نماییم.

تلاش‌ها برای ارائه نظریه‌های عمومی انقلاب با مطالعه انقلاب فرانسه به عنوان یک مدل آغاز شد.^۱ و از اواخر قرن نوزدهم با پیدایش علوم اجتماعی مدرن، مطالعات علمی رخصوص پدیده انقلاب شروع شد، و پس از افراط‌گری‌های انقلاب فرانسه، جامعه‌شناسان، مثل ادموند برک و الکسی دو توکویل تلاش کردند آن را نقادی، تبیین و ارزیابی نمایند.

نظریه‌های انقلاب با ایراد عورت‌بندی شده‌اند که علت وقوع انقلاب را به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی بیان کنند.^۲ این نظریه‌ها با گذشت زمان و وقوع انقلاب‌های فراوان به ویژه در مناطق جدیدی از جهان که در گذشته چندان مورد توجه نبود، دچار تغییر و تحول شده و به ظهور رویکردهای جدید منجر شده است.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که چگونه انقلاب با عورت‌بندی‌های مختلف تبیین و تفسیر می‌شود. بدین معنا که رهیافت‌های مختلف تئوری انقلاب، تعبیر متفاوتی از مفهوم انقلاب ارائه می‌نمایند.^۳

مفهوم انقلاب و تنوع رویکرد به آن، نشان می‌دهد که نه تنها با انقلاب‌های

۱. جک گلدستون، مطالعات نظری تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر، ۱۳۹۲، چاپ اول، ص ۲۱.

۲. محمد شجاعیان، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۵.

۳. حمیرا مشیرزاده، دیدگاه‌های مختلف در تبیین انقلاب اسلامی، در حدیث انقلاب، جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱.

متعددی در طول تاریخ مواجه بوده‌ایم، بلکه با معانی مختلفی از انقلاب نیز در تاریخ روبه‌رو هستیم.

حجم و میزان ادبیات تولید شده در خصوص انقلاب از تنوع و گونه‌گونی بسیاری برخوردار است و این مسئله نشانگر برداشت‌های مختلف از مفهوم انقلاب در طول تاریخ می‌باشد. گاهی کاربرد مفهوم انقلاب از تغییر و تحول سیاسی فراتر رفته و در دامنه‌ی وسیع‌تری همانند انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی به کار می‌رود و انتقال به دوره‌ی یکجانشینی و بهره‌برداری از زمین توسط انسان را انقلاب کشاورزی، و انتقال از این دوره به دوره‌ی صنعت و آغاز ابداع و اختراع ماشین بخار، تلگراف، تانک و خودرو را به عنوان انقلاب اول و دوم صنعتی که در اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ اتفاق افتاد، می‌نامند.

در میان نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی نیز بر روی تعریف انقلاب، اتفاق نظر وجود ندارد و هر کدام از جامعه‌شناسان و سیاست‌پژوهان از ظن خود یار انقلاب شده‌اند و تعریف خاص خود را که شاید کمتری با تعاریف دیگران دارد، مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال گروهی از غرب را تحولی خشونت‌بار برای تغییر ساخت اجتماعی و سیاسی می‌دانند و دیگران، اصلاح ارزش‌ها و تغییر نهادها را به عنوان عناصر و مؤلفه‌های بنیادین انقلاب معرفی می‌کنند.

بسیاری از تعاریف انقلاب، از برخی وجوه مشترک برخوردارند و در جنبه‌های دیگر متفاوتند و گاهی چنان تعاریف از هم فاصله دارند که گویا نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان در خصوص پدیده‌های مختلف سخن می‌گویند. گاهی نیز در تعریف انقلاب به عناصری از آن، اشاره می‌شود که نه تنها به وضوح معنایی آن کمک نمی‌کند، بلکه بر ابهامات آن نیز می‌افزاید، عناصری که قابلیت تقویم، سنجش و پایش نداشته باشند، کمکی به فهم مسئله انقلاب، علل وقوع، فرایند شکل‌گیری و نتایج، پیامدها و دستاوردهای آن نمی‌کنند.

برخی از تئوری‌پردازان انقلاب‌ها، خود از انقلابی‌های تأثیرگذار بوده‌اند و از این‌رو مطالبات، آرمان‌ها، اندیشه و عمل آنان مفهوم خاصی از انقلاب را در اذهان، متبادر کرده است. این نظریه‌پردازان انقلابی در خصوص انقلاب‌ها به

دلیل خاستگاه‌های مختلف فکری و سیاسی و تجربه و عمل متفاوت اتفاق نظر ندارند. از این رو ما با سنت‌های متعدد در طول تاریخ انقلاب‌ها مواجهیم، و باید اذعان کرد که مفهوم انقلاب به دلایل پیش گفته نه تنها مفهوم پیچیده بلکه از منظر تاریخی، تحول‌پذیر بوده و معنای یکسانی از آن برای تبیین و ترسیم نظریه عمومی انقلاب وجود ندارد.^۱

نیچه فیلسوف آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۰) در خصوص مفهوم تنبیه گفته‌ای دارد که با مفهوم انقلاب قابلیت انطباق کامل دارد. نیچه معتقد است «مفهوم تنبیه یک معنا ندارد، بلکه سنتز و ترکیبی کلی از معانی است»^۲ مفهوم انقلاب نیز دقیقاً از همین ویژگی برخوردار است. کرین بریتون نیز در ابتدای کتاب خود «کالبدشکافی چهار انقلاب» می‌گوید «انقلاب کلمه کشداری است».^۳

در این نوشتار، در فصل اول به تبارشناسی مفهوم انقلاب چستی انقلاب و انواع آن پرداخته و سپس در فصل دوم به سیر تحول نظریه‌پردازی در خصوص انقلاب اشاره مبسوط شده و به اندیشه‌ها و تأملات نظری فیلسوفان سیاسی مانند افلاطون و ارسطو پرداخته شده است. آنگاه دسته‌بندی تئوری‌های انقلاب، از جمله نظریه‌پردازان کلاسیک انقلاب مانند مارکس، پارتو، دورکهایم، ماکس وبر و الکسی دوتوکویل مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس مطالعه علمی انقلاب با آرای کرین بریتون و نقطه نظر او در باب انقلاب و نظریات تبیینی انقلاب‌ها با رهیافت‌های روانشناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی و سایر ارگرایانه با آرای کثیری از جامعه‌شناسان مورد پژوهش قرار گرفته و بخشی از آرای مطرح‌شده نیز در معرض نقد و داوری قرار گرفته است.

با این پیشینه نظری و اشراف بر سیر تحول نظریه‌پردازی در خصوص انقلاب،

۱. رک به آتونی گیدنز، همان و هانا آرنت، انقلاب، عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷، جاب دوم.

۲. حمیرا مشیرزاده، دیدگاه‌های مختلف در تبیین انقلاب اسلامی، در حدیث انقلاب، جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، جاب اول، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱.

۳. کرین بریتون، کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.

در بخش دوم این نوشتار دو رهیافت علل وقوع انقلاب به تفصیل مورد نقد و نظر قرار گرفت و بر این مهم تأکید شد که وقوع انقلاب اسلامی رهیافت تک‌علتی انقلاب را به محاق برد و رهیافت چندعلتی، بنیاد مطالعات انقلاب اسلامی قرار گرفت و پارادایم جدیدی در مطالعات انقلاب مطرح شد. اگر پیش از پیدایش انقلاب اسلامی، نظریه پردازان انقلاب در نیمه دوم قرن بیستم گرایش ساختارگرانه داشتند و در پرتو این گرایش به تحلیل انقلاب‌ها می‌پرداختند، اما انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن این رهیافت ناتوانی نظریه‌های تک‌علتی را آشکار ساخت و با ارائه رهیافت جدید ضمن بررسی زمینه‌ها و بسترهای سیاسی و اقتصادی انقلاب اسلامی، ماهیت فرهنگی و دینی این انقلاب را در پرتو اسلام و تشیع، نقش ممتاز و بی‌بدیل فرهنگ، دینی و بومی و ملی مورد توجه قرار می‌دهد و به تبیین هم‌زمان تئوری سمبولیک، هانتینگتون و پرواند آبراهامیان مبنی بر نامتوازن بودن رشد اقتصادی و اجتماع، به‌سازی سیاسی دوره پهلوی و تئوری نیل اسملسر با برجسته کردن عناصر اصلی تئوری‌های پیش‌گفته می‌پردازد.

انطباق شرایط ساختار فرهنگی و مذهبی مردم ایران و عناصر دیگر مطرح در تئوری اسملسر بخش‌های ناگفته نظریه توسعه نامتوازن را تکمیل کرد و تحلیلی جامع از علل وقوع انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. بررسی شرایط ساختاری جامعه ایران نشان داد که ایران از منظر ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از زمینه‌های مساعد برای شکل‌گیری انقلاب، برخوردار بوده است.

در این مقال، قابلیت‌های این دو رهیافت در خصوص تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی مورد آزمون قرار گرفته و رهیافت چندعلتی وقوع انقلاب اسلامی، تصویر جامعی از این رخداد بزرگ را پیشکش می‌کند.